یادداشت دبیر جشنواره

بالاخره باتری‌ام تمام شد

دو سه روز بود از خواب که بیدار می‌شدم سرم به‌جوری گیج می‌رفت و دنیا دور سرم می‌چرخید چند دقیقه‌ای طول می‌کشید تا سر کار بیاد. شوم و راه بیفتم. اما دروز افتادم و بخش زمین شدم.
از اتفاقی که می‌ش نه شوخ دارم و نه بچه که در بیری و کوری دستم را بگیرند به سپهرام رساند.
دکتر اورژانس بیمارستان به من گفت حتما پول های شهر موش‌ها را می‌شمردی که سرت گیج رفته! از اقای دکتر خیر مثل خیلی های دیگر نمی دانم که این روزها برای من جشنواره عروسکی از شهر موش‌ها مهمتر است.
می‌خواستم به اقای دکتر بگویم این سرگیجه مال آن دوراهی است که روز سه شنبه به همراه راه‌دهم و فرست مال خانم خانه داری راه‌دم که دوراه ایش میهمان می‌ایند اما خانم اش کنیک و به هم ریخته و شلخته است. خانمای که هم داخلش خراب است و هم بیرونش.
دلم برای خانه خودمان، تئاتر شهر می سوزد.

مرضیه برومند

Puppets have the simplest and clearest narrations

Message of Minister of Culture and Islamic Guidance

In the name of God, the Compassionate, the Merciful.

For ages, Art has been a manifestation of mankind's need to recognize and find himself; to be in tune with his creator. The secret to this continuity is to be calm and find inner-peace. In this dark and ugly world we live in, where pretentious men, whom in the name of God act savagely have spread violence and destroyed love. But have no fear because the promising point and the only hope is art and it will be heard load and clear, deep inside every man's souls.
In this bright and colorful world of arts, little puppets and figures have the simplest and clearest narrations; with the skilled hands of the puppeteers, they are able to convey their messages.

With this perspective and the importance of puppetry, the 15th international puppet festival of Tehran-Mobarak is a noble and cheerful gathering, celebrating creativity and the art of puppetry.
I would like to welcome and wish the best for all viewers and creative people who have attended this event.
Ali Jannati
The Minister of Culture and Islamic Guidance
September 2014

Welcome to our Feast

The Artistic Director's note

In the name of God
On threshold of the 15th ceremony of the puppets, I would like to thank all the glove, rod and shadow puppets and the marionettes, all the cloth puppets, the paper ones, wooden and recycled puppets for their selflessness and altruism, whom tried for months on the emotional and passionate hands of the puppeteers to make an effort, to hold a great ceremony.

All Lovers of the puppets,
Welcome to our Feast…
Marzieh Baroumand

یادداشت

ما و تئاتر عروسکی (۱)

دلخوشی‌های تئاتر عروسکی

■ منوچهر اکبرلو

۱- تئاتر عروسکی این مرز و بوم پس از گذران پیشینه چند صد ساله نمایش‌های سنتی اش، در عصر به چندان درآخور در دوران معاصر به علل مختلف مغفول مانده است. این تئاتر دوره‌های پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است و اکنون در دهه ۹۰ اینجا ایستاده‌ایم و با نگاه به پشت سر، از کارهایی که نکرده‌ایم و کاستی‌هایی که می‌ش می‌گیم و البته گامهای بیموده شده بر سر تبدیل مال می‌ش دوز تا از آنها برای امیدواری به آینده بهره گیریم.
۲- افسانه شاهد حرکت‌های خودتبدیلی در زمینه تئاتر عروسکی بوده‌ایم مهمترین آن تشکیل نهاد تئاتر عروسکی است تا اتفاقی. تئاتر عروسکی مانند که نقطه‌های کلوزی برای فعالیت در این عرصه ایجاد شده است و مراکز، نهادها، انجمن‌ها، مدیران، هنرمندان و اصحاب اقلام‌دوباز باشند که این حلقه می‌تواند هر کرتیزی باشد برای هر آن چه قدم بنیانین و بر زمین مانده در زمینه تئاتر عروسکی است.
۳- بیش از یک دهه پیش، تشکیل انجمن نمایشگران عروسکی خانه تئاتر، اقدامی بود بسیار مهم در راستای گسترش ضروف این تشکل. به هر حال اهل تئاتر عروسکی نیازمند منطقی واحدند. اینکه این انجمن چه می‌تواند و چه خواهد کرد، موکول است به همت اعضای آن و ارزیابی دائمی که آماده است.
۴- آمار متقاضیان درخواست اجرای تئاتر عروسکی درفرهنگسراها، تالار، هنر و کانون پرورش فکری، رو به افزایش است. اصل عدم هیاهو است. انجمن چند بخش جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان بوده از رشته جشنگی آثاری به طور کامل عروسکی با بسمه عروسکی، اثبات‌کننده این مدعاست.
۵-استقبال بخش خصوصی از انتشار نمایشنامه‌های عروسکی نیز شامل آن رغم می‌کند. گیریم که تعداد آثار منتشر شده آن قدر کمک است که در مقایسه با عناوین کتاب‌های منتشر شده در دریای بازار نشر، چونان چند قطره به شمار می‌آید.
۶- ادامه فعالیت جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی نیز تذکر می‌دهد که دلخوش‌ها که نیستا جشنواره‌ای که جز اجرای نمایش‌ها، دور هم جمع شدن عروسکی‌ها را امر می‌دهد. ازروندیم این فعالیت‌ها، نقطه پایان نداشته باشد و گام‌هایی باشد که همواره ادامه یابد. از گله‌ می‌توانیم شاهد تداوم حضور پژوهشگران و اهل قلم و تحریر باشیم تا چرائی تئاتر عروسکی را با نام گرم خود پیوند بزنند و از راه اندازان و در راه ماندگان بشنویم تا چه‌گونه باید طی طریق کنند و این یعنی امید. چیزی که تئاتر ما و تئاتر عروسکی ما به آن سخت محتاج است.

گفت و گو

همیشه جشنواره‌ها را دوست دارم

گفت وگو با هنگامه مفید را پیش خودتان با صدای مادربزرگ توی خونه مادر بزرگه؛ بخوانید و بشنوید.
برگردید به دوران کودکی؛ چرا ما شیر خوب و خاطره‌انگیزی یادتان آید، اما می‌ناسیید شاعرتی گیست.
به احتمال خیلی زیاد خانم مفید آن را سروده است. صدا با شعرش را خیلی جاها شنیده‌اید. از «گلنار» کامیوزا پرتوی گرفته تا «بکی بود، یکی نبود» ایرج طهماسب. از «لشون و ولشون» کامبیز صمیمی مغفیه گرفته تا این اواخر که نقش برفه‌ری را در «آبی‌بری» مرضیه برومند بازی کرده است.

■ عروسک‌ها با چه می‌گنند که بشر دوپا نمی‌کند؟
بشر دوپا از زمانی که توانست ایمان و امال و آرزوها و توقعهایش را بشناسد، دنبال یک واسطه می‌گشت. دید چه واسطه‌ای بهتر از عروسک. قهیمه خیلی از کارهایی که خودش از پس آنها برنمی‌آید، با عروسک شنی است. عروسک‌ها اتفاق‌هایی شیرین و تلخ را شیرین‌تر و تلخ‌تر از خود آدم بیان می‌کنند. احساسی که با عروسک انتقال می‌دهند، صمیمی‌تر است و بخش زیادی را به گوش می‌گیرد. اینها خودش یک دنیای کوچک اند و اندازه عروسک نخودی بشنو. از آن طرف هم می‌شنیدید یک زنده‌ا را آن‌طور که عروسک آدم‌های چیزی‌ها نشان می‌دهد، به نمایش بگذارد. قدرت تخیل بشر هوا خیمه خودمونی را می‌سازد.

■ از کی به دنیای عروسک‌ها یا گداشتید؟
نشارنه - خفده سالگه بودم که در خانه‌ام‌ای در شهر عروسک‌ها به کارگردانی ارشتیر کشاورزی بازی کردم. متن را خودش ترجمه کرده بود و بعد آن را در جشنواره‌ای که در سالن باز بازی نیلوان برای کودکان برپا شده بود، اجرا کردیم. صدای بعد هم در تئاتر استاد زاکف (کارگردان اهل چک) همیاری فلل نردوده. مرتضی طلاقپور، مرحوم حمید حمرانی وچندتا از نوستان دیگر بوده.

■ مبارک؛ بهتر است با تونوا؟
برای من که پول اجیانی ندارد. مبارک بهتر است. چون با وجود مبارک می‌توانم تخیل کنم و به بیرونی بخندم. اگر نوانسته بودم که می‌توانستم، به؛ آی‌خندد!

■ جشنواره مبارک امسال‌مان چطور است؟
اصولا همیشه جشنواره‌ها را دوست دارم. مبارک امسال را هم از همان اول که هیات انتخاب را معرفی کردند، دوست داشتم هرکدام از اعضای هیات انتخاب قدرت تشخیص و تجربه و تخصص انتخاب را داشتند. در جشنواره اصیل هنر سی است رکت و همدلی بین همه شرکت‌کننده‌ها وجود دارد و کسی دوبه‌ای از کسی ندارد. امسال جشنواره از روح سرد و جدی ندارد. معمول را ندارد. امیدوارم به فکر دو سه سال بعد هم باشیم.

یادداشت

خوش به حال عروسک‌ها که نمی‌میرند

■ حمید جبلی

خوش به‌حال عروسک‌ها که نمی‌میرند و هروقت از جعبه بیرون بیایند دوباره متولد شده‌اند. ولی کسانی که آنها را ساختند و جان دادند می رونند چقدر هم زود رفتند و دل ما را شکستند.
کامبیز صمیمی مغفیه ازشیرین کشاورزی، رضا زیاب، جواد ذوالفقاری، احمد بهجتی، بیژن نعمتی شریف و استاد عیسی‌بیگی.
شاید هم چون کارشان به کمال رسیده بود رفتند. وظیفه‌شان را انجام دادند و عروسک‌هایشان را خلق کردند.
جشنواره را به یاد این دوستان شروع کردیم‌و برازشان گرسنیم‌و ولی سک نشدیم بی دانم اینها هم نگران جشنواره هستند، ولی خیالتان راحت باشد. نسل جدیدی پر از شور و شوق در کنار مرضیه برومند آبروی شما را حفظ خواهد کرد.

شاهد جشنواره‌ای با بالاترین تنوع نمایش هستیم

■ شهرام کرمی

شهرام کرمی نویسنده، کارگردان، منتقد و مدرس دانشگاه است. وی عضو هیات انتخاب پانزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک است.

مهمترین معیار هیات انتخاب پانزدهمین جشنواره تئاتر مبارک برای نمایش‌ها، نگاه نو، خلاقیه و ویژگی منحصر به فرد نمایش بوده است. زیرا به نظر من هنر نمایش یک هنر باز و آزاد است و خلاقیت گروه اجرایی کیفیت یک اثر را نشان می‌دهد. در این جشنواره مهمترین نکته ما نسبت به جشنواره‌های گذشته انتخاب آثار متنوع است که این تنوع هم در محتوا رعایت شده است هم در نوع اجرا. در این تنوع آثار در متون و هم از نمایش‌هایی که متون کلاسیک دارند استقبال شده است هم از متون جدید. و چه به یک نمایش دراین دوره ما شاهد حضورنسل‌های مختلف فعالان تئاتر عروسکی در این جشنواره هستیم‌نسل پیشکسوت تئاتر عروسکی شاغل اساتیدی مانند: عامل برنوده، آراده پورمحنت و هما جدیکار و ... . گروه حرفه‌ای مانند: آراده انصاری، محمد تقی‌پور، مصطفی‌پور، جمهور کیا و چهار جلد که برای نخستین بار در جشنواره شرکت دارند. ما شاهد نمایش روشنک کرمی و... این جشنواره میزبان گروه‌هایی با سنین متفاوت و سطح کاری متفاوت است و این مهمترین ویژگی این جشنواره به شمار می‌رود.

من با تیستو سبز انگشتی و خانم برومند بزرگ شده‌ام

■ نغمه تمیمی
نویسنده نمایش تیستو سبز انگشتی

در روزهای هولناک بمباران، در روزهای خاموش و ناامید آن سال‌ها، در آن کودکی کذرا که در «مرگ برها» و «شهرها» می‌گذشت، در آن نوجوانی می‌آمد و می‌گذرا، مرضیه برومند تنها نام یک «مرگ برها» و «شهرها» می‌گذشت. در آن نوجوانی می‌آمد و می‌گذرا، سالن‌های فراموشی خوشایند و کارگردان نبود. این نام، یک نشانه بود. نشانه‌ای از یک جهانِ بود. نشانه‌ای رنگی آبدرک می‌جهانی که داستان‌های دوست داشتنی که خیلی خوب تعریف می‌شدند. نشانه‌ی رنگی آبدرک می‌جهانی که تعریف یک اثر را نشان می‌دهد. در این جشنواره مهمترین نکته ما نسبت به جشنواره‌های گذشته انتخاب آثار متنوع است که این تنوع هم در محتوا رعایت شده است هم در نوع اجرا. در این تنوع آثار در متون و هم از نمایش‌هایی که متون کلاسیک دارند استقبال شده است هم از متون جدید. و چه به یک نمایش دراین دوره ما شاهد حضورنسل‌های مختلف فعالان تئاتر عروسکی در این جشنواره هستیم‌نسل پیشکسوت تئاتر عروسکی شاغل اساتیدی مانند: عامل برنوده، آراده پورمحنت و هما جدیکار و ... . گروه حرفه‌ای مانند: آراده انصاری، محمد تقی‌پور، مصطفی‌پور، جمهور کیا و چهار جلد که برای نخستین بار در جشنواره شرکت دارند. ما شاهد نمایش روشنک کرمی و... این جشنواره میزبان گروه‌هایی با سنین متفاوت و سطح کاری متفاوت است و این مهمترین ویژگی این جشنواره به شمار می‌رود.

فکرش را بکنید. سال‌ها با هم رفت‌وآمد خانوادگی داشته‌اند، بچه‌هایشان با هم بزرگ شده‌اند، سال‌ها با هم توی دانشگاه تدریس کرده‌اند، اما تا حالا کار مشترک نکرده بودند. برای نخستین کار مشترک دست می‌گذارند روی قصه‌ای که شخصیت اصلی آن تیستو است. تیستو را می‌سرایند به نغمه تمیمی تا نمایشنامه‌اش را بنویسد. چه کسی بهتر از تمیمی که بارها قصه را خوانده است و عاشق تیستو است. جدیکار و پورمختار می‌خواهند تیستو را بفرستند روی صحنه تا کل یکارد و به همه بگوید بدون جنگ و دعوا دنیا سبزتر است.

گفت و گو

گفتیم باهم کارکنیم که حالـــمان خوب شود

تیستو نخستین کار مشترک‌تان است؟
پورمختار: بله. البته ما از دوستان خیلی قدیمی هستیم و از وقتی بچه‌هایمان دو سه‌ساله بودند با هم ارتباط و معاشرت خانوادگی داشتیم. اما این نخستین کار مشترک ماست. خواستیم به همه نشان دهیم می‌شود با همدیگر کار کرد و دعوا هم نکرد. تا به اینجا هم کارمان به کیس و کیس کشیده نشده. آبی هنددا!
جدیکار: شاید قرار بیفرانا کار به اینجا هم بکشد. آبی! هم هنددا! خوانسیم نشان دهیم می‌شود بدون نشان کار کرد و لذت برد. اصلا کمتیم بهتر کار کنیم که حالمان خوب شود.

حالا چرا تیستو سبزانگشتی؟
جدیکار: هاهمان این بود در این دوره که طبیعت رو به تخریب است. شما به طبیعت و سبز کردن را بذاری جزء آرمان‌هایتان زندگی‌ات. با طبیعت بوده است. صبح می‌رفتیم زیر درخت خرمالو دوباره می‌رفتیم زیر درخت سرگرم می‌شدیم. تیستو طرفدار صلح بود آرمان و طبیعت است. متنی که ما در اینجا نوشته بودیم رو به جلو از روی رمان تیستوی سبزانگشتی بود. حتی بعضی از جمله‌ها هنوز هنددا! خود کلات آورده بودیم. اما نغمه تمیمی از اجایی که تو آن و بگاه شیر جشنواره‌ها به کمیت آثار است فقط صرف از آمار تعیین و حضورش خودش نشده. دوستانه با همه کارگردان‌ها وضعیت کارها هست و چندین جلسه دوستانه با همه کارگردان‌ها گذاشته است. فضایی آرام و صمیمی و البته حرفه‌ای بر جشنواره حکمفرماست. قول اجرای عموم دادن، به همه آثار هم وجه متمایز این جشنواره است.

دوره‌های ابتدایی یونیما چطور بود؟
جدیکار: آن سال‌ها همه دست به دست هم می‌دادند تا جشنواره بشود به طور مثال می‌دیدی یک نفر توی کار خودش کارگردان بود اینجا در اجرای خودش. بسه گروه‌های دیگر هم کمک می‌کرد. در سال‌های بعد گروه‌های خارجی هم می‌آمدند اما همان سال‌های بعد گروه‌های کوچکتری آمدند و ورکشاپ آجیتابی هم برگزار شد.

خیلی از بچه‌ها کارهایشان بذریقه نشد و به جشنواره نرسید. حق دارند ناراحت باشند؟
پورمختار: نه قول خانم برومند رو شنیدن کار به معنای شکست نیست. نشان‌دهنده آن است که باید تلاش بیشتری کرد. خود بنده به طور مثال می‌دیدی یک نفر توی کار خودش کارگردان بود اینجا بود. اجرای خودش. بسه گروه‌های دیگر هم کمک می‌کرد. در سال‌های بعد گروه‌های کوچکتری آمدند و ورکشاپ آجیتابی هم برگزار شد.

جطور شد دست به یک کار مشترک؟ زدید؟
پورمختار: بلد است. رفته بودم یکی از خرمشهرنیاری‌های هما جدیکار را بنشیم بعد از کار کلی خندیدیم و حرف زدیم و تصمیم گرفتیم بر به همراه خانمم جدیکار و خانمم محبوب یک کار مشترک به اجرا بیریم. دخترم فی‌فی‌ترها به من گفته بود تیستوی سبزانگشتی را کار کنید. خلاصه شروع کردیم به نوشتن متن. وسط‌های کار رفته رفته سر هم ساختیمان شلوغ شد تا اینکه خانمم محبوب کناره‌گیری کرد. اینجا بود که من و خانم جدیکار گفتیم هرطور شده باید تیستو را روی صحنه ببریم. خلاصه طرح را به نغمه تمیمی دادیم و او هم کلا متنش تیستو بود. متن را برای ما نوشت.
جدیکار: البته این متن در اینجا برای جشنواره نبود. خانم تمیمی دوبل بیش آن را برای ما نوشته بود و تا نیمه‌ی روی متن کار کنیم و آجیتابی دوبل شد.
پورمختار: باید بگویم یکی از دلایلی که باعث شد کار را به جشنواره بفرستیم، حضور مرضیه برومند بود.

جشنواره امسال چه چیز تازه‌ای داره که قبلا نداشت؟
جدیکار: مهمترین چیزی که این جشنواره داره، همدلی موجود تو آن و بگاه شیر جشنواره‌ها به کمیت آثار است. فقط صرف از آمار تعیین و حضورش خودش نشده. حالا فرار شد عکس‌هایی اجرا را برایتان ایمیل کنیم.

داستان یک عروسک

بوکه بارانه (عروسک باران)

بوکه باران نوعی مراسم باران خواهی در کردستان است که در ایام خشکسالی یا زمانی که باندگی در آن سال‌ها کم است برگزار می‌شود که به معنی عروسک و نمونه‌های تغییر یافته از ایزد باتوی است. آناهیتا و ایزد باران در ایران باستان است. دختران نوجوان روستا با استفاده از دو تکه چوب، عروسکی می‌سازند و لباس‌ها و پارچه‌های رنگی بر تن آن می‌دوزند و برایش سرپوشی درست می‌کنند و او را به دست می‌گیرند و در حالی که شعر می خوانند در کوچه ها می گردند.هنگام عبور بوکه باران از کوچه ها اهالی بر آن آب می‌پاشند به نیت این که باران و برف در آن سال فراوان باشد و همچنین هدایایی مانند تخم مرغ، پول و گردو به دختران می‌دهند.
دختران بعد از گذراندن بوک‌عروسک از همه کوچه ها، آن را به قبرستان یا جمع آوری شده را نیز جهت تقسیم می کنند.اهالی روستای خشیر از ذهستان ژاورود شیرقی،بخش مرکزی شهر سنندج در منطقه ای سرد و خشک در ۲۶ کیلومتری جنوب غرب سنندج به این عروسک (بوکه چوپنه) می‌گویند و آن را در گهواره ای گذاشته و می خرخانند.

دختران هنگام چرخاندن این عروسک شعری به شرح زیر را آوازوار می‌خوانند:

ای خدا باران بیار
برای افراد مسکین و فقیر
عروس باران آب می‌خواهد
آب را برای غلات و محصولات می‌خواهد
تخم مرغ چوان می‌خواهد
آب برای گندم ها می‌خواهد
شاته کولی ها را می‌خواهد
ای خدا بر ما باران بیار

نشریه روزانه پانزدهمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران – مبارک

سردبیر: افشین صادقی زاده | دبیر تحریریه: الهه حاجی زاده
خبرنگاران: علی رضا کیانی، سوگند نیازمند، پویان فراستی، کسری دشتی
مدیر هنری: محمد هاشمی
عکس: اختر ناجیک، عبدالرضا نیکو

روز اول در یک نگاه

کـــوتاه از نمایش‌های امروز

صحنه ای

۱) آهای تو دیکه کی هستی
ن.ک، عاطل بزوده
داستان از آنجا شروع می شود که غار داش می خواهد از برکه ماهی بگیرد و نمی تواند. « قو » را می بیند و کرشش را قرض می گیرد. « مرغ سقا » را می‌بیند و مغازش را قرض می گیرد.

۲) کنار سنازها بر می‌گردم
کارگردان:زهره پهروزی‌نیا نویسنده: سیاوش بهادری‌راد
موضوع نمایش درباره خواب یک انسان خیلی قد بلند و معمللاتی است که برای این شخص در اجتماع پیش آمده است.

۳) تیستو سبز انگشتی
طراح و کارگردان: آزاده پورمختار و هما جدیکار نویسنده: نغمه تمیمی
داستان یک کوچکی است که انگشتان سبز کننده دارد. تیستو با بازی گل ها به ما یادآوری می کند که مفهوم زندگی چیست و چطور می توانیم بهتر زندگی کنیم.

۴) ناگهان کفتری
نویسنده، طراح و کارگردان: مهدی چاکری
طوبی شیرازی و همسرش سل هست که صاحب فرزند نمی‌شوند. طوبی خانم یک شب خواب می‌بیند که برای مراودت شدن آرزویش باید به مشهد برود. یکی از کبوتران حرم طوبی خانم را می‌بیند و ...

۵) حکایت حاکمی که دیگر حاکم نیست
نویسنده و کارگردان: اکرم ابوالمعالی
داستان حاکمی است که متوجه که شش قلبش می شود و برای پیدا کردن آن به سرزمین های دور سفر می کند . در بین راه با دخترکی آشنا می شود و...

۶) کلاغ‌ها پرندها بخوانند
کارگردان و نویسنده: روشنک کرمی
لواخر پاییز است. هرگاه پیرمرد تنهایی است که با پرنده‌هایش در جنگلی زندگی می‌کند. روزی مرگ برای بردن جان می‌آید اما او حاضر نیست با مرگ همراه شود. هرگاه باید در طول پاییز در طول روزهای برای پرنده‌هایش نگهبانی کند. مرگ به خاطر پرنده‌ها جانب او طرح سوالی از گذشته به هلاک می‌پیشی یک روزه بدهد و...

فضای باز

۱) سرزمین زنبورهای عسل
کارگردان: محمدرضا مالکی نویسنده: مریم رها
کار با موضوعیت محیط زیست طراحی شده است و فقط زنبور عسلی را تعریف می‌کند که هرچه تلاش کرده برای تهیه عسل موفق نبوده و نتوانسته عسل خوبی درست کند. چون طبیعت و زمین آلوده است و تمام محیط زیست را زباله فراگرفته و در نهایت با تلاش نمادشجیان می‌تواند عسل مرغوب تهیه کند.

۲) کاسه اشکنک
نویسنده و کارگردان: بری بارانی
کودک‌روستاهای کلوگاه بازیر دست نشاش کاسه هایی خالی، هایی خالی به نشانه تشکر خالی به در خانه های دیگر مردمان روستا می‌رود. کاسه را پر از اندوه و خیرگی می کنند و برای فقرا می برند و سر آخر کاسه های خالی را می‌شکنند و به فقر مشغول می‌شوند.

۳) خیمه شب بازی سنتی
کارگردان: مرتضی شیخ اسحد خمسه‌ای
نمایش اروپای درحت پیره که گرتنی نسیم بافی شرکت کرد که بابت به نوشته حاوره بازی‌هندی‌ی عروسک شد. او در این دوره نمایش فضای باز صندوق جدوی حضور پیدا کرده است.

۴) صندوق جادویی
کارگردان: ریحانه (فاطمه) باغبادی نویسنده: نسرین اسدی
مبارک عاشق دختر پادشاه می‌شود.پادشاه ۳ شرط برای ازدواج تعیین می کند. اول اینکه باقوت قرص را از الاغ بگیردشود اینکه حقه گوش آزدهای شهر را بیاورد و سوم اینکه رویش سفید شود. در این بین جادوگر که دختر را برای پسرش می‌خواهد سر راه مبارک سنگ می اندازد اما موفق نمی‌شود و در نهایت مبارک جادوگر را شکست می‌دهد و با دختر پادشاه ازدواج می‌کند.

۵) عمو حسن بنا
نویسنده و کارگردان: افشین قاسمی
عمو حسن بنا برای نجات دخترش مجبور است با دیو دوسر و اشباح خانه پلاک ۱۳ مبارزه کند.

۶) لکه‌ای سرخ بر برگی سبز
کارگردان: شهاب راحله نویسنده: محمود فرهنگ
دو موجه در یارک مشغول بازی هستند و آرامجا که غیر عادی به نظر می رسند. توجه طرفداران محیط زیست را به خود جلب می‌کند و همین باب آشنایی آنها با یکدیگر می شود. موجهها داستان بزرگ شدن و تغییر زنتیک خود را برایمان شرح می‌دهند.

نمایش‌های فضای باز

خوابی که تعبیر شد

ریحانه باغبادی- کارگردان «صندوق جادویی»

ریحانه باغبادی در پانزدهمین دوره جشنواره نمایش عروسکی تهران- مبارک شرکت نمایش «صندوق جادویی» را در بخش مجموعه به عنوان کارگردان روی صحنه برده است.او در دو دوره اخیر این جشنواره پر حضور داشته است در دوره سپزدهم با نمایش «ارمنیا» به کارگردانی لیلی مجتهدی و در دوره چهاردهم با نمایش «شاهزاده نمک» به کارگردانی سید بافوتی. او همچنین در دوره‌های کلاس عروسک سازی آقای محمد اطهری و مرحوم اسماء ستیل بعضی شرکت و تا امروز فقط در حوزه نمایش‌های عروسکی فعالیت کرده است.سپس در جشنواره ماه در بابت آوردی درخت پیره که گرتنی نسیم بافی شرکت کرد که بابت به نوشته حاوره بازی‌هندی‌ی عروسک شد. او در این دوره نمایش فضای باز صندوق جدوی حضور پیدا کرده است.
موقع ساخت عروسک احساس می‌کنم بخشی از وجودم را در آن عروسک پیدا می‌کنم و وقتی عروسک جان می‌گیرد بازی عروسک را بیرون می‌آورد به حرکت در می‌آید.من سی با تئاتر عروسکی توانستم به حوبه‌ها و حیل‌های رنگ رقابت بخشم و به خودم ثابت کنم که خودم‌ها هم می‌توانند رنگ باقیمت کنند و تو را احفاظ از دنیای واقع‌گرایانه بیرون ببرند.
من تئاتر عروسکی را انتخاب کردم برای اینکه تمام آنچه را در ذهن و تخیل من می‌گذرد، می‌توانم به وسیله آن نشان دهم و هیچ محدودیتی در تئاتر عروسکی برای نشان دادن آنچه در ذهنم دارم نیست.من بسیار مشتاق سبک سوررئالیسم و فانتزی بودم و وقتی با تئاتر عروسکی آشنا شدم متوجه شدم که می‌توانم آنچه را در فانتزی‌های سوررئالیسم می‌بینم به واقعیت تبدیل کنم. درواقع من می‌توانستم به تخیلات و واقعیت‌ها بپردازم.
ریحانه باغبادی در پانزدهمین دوره جشنواره نمایش عروسکی تهران- مبارک شرکت نمایش «صندوق جادویی» را در بخش مجموعه به عنوان کارگردان روی صحنه برده است.او در دو دوره اخیر این جشنواره پر حضور داشته است در دوره سپزدهم با نمایش «ارمنیا» به کارگردانی لیلی مجتهدی و در دوره چهاردهم با نمایش «شاهزاده نمک» به کارگردانی سید بافوتی. او همچنین در دوره‌های کلاس عروسک سازی آقای محمد اطهری و مرحوم اسماء ستیل بعضی شرکت و تا امروز فقط در حوزه نمایش‌های عروسکی فعالیت کرده است.سپس در جشنواره ماه در بابت آوردی درخت پیره که گرتنی نسیم بافی شرکت کرد که بابت به نوشته حاوره بازی‌هندی‌ی عروسک شد. او در این دوره نمایش فضای باز صندوق جدوی حضور پیدا کرده است.
موقع ساخت عروسک احساس می‌کنم بخشی از وجودم را در آن عروسک پیدا می‌کنم و وقتی عروسک جان می‌گیرد بازی عروسک را بیرون می‌آورد به حرکت در می‌آید.من سی با تئاتر عروسکی توانستم به حوبه‌ها و حیل‌های رنگ رقابت بخشم و به خودم ثابت کنم که خودم‌ها هم می‌توانند رنگ باقیمت کنند و تو را احفاظ از دنیای واقع‌گرایانه بیرون ببرند.
من تئاتر عروسکی را انتخاب کردم برای اینکه تمام آنچه را در ذهن و تخیل من می‌گذرد، می‌توانم به وسیله آن نشان دهم و هیچ محدودیتی در تئاتر عروسکی برای نشان دادن آنچه در ذهنم دارم نیست.من بسیار مشتاق سبک سوررئالیسم و فانتزی بودم و وقتی با تئاتر عروسکی آشنا شدم متوجه شدم که می‌توانم آنچه را در فانتزی‌های سوررئالیسم می‌بینم به واقعیت تبدیل کنم. درواقع من می‌توانستم به تخیلات و

آیین‌هایی که باید زنده‌اش کنیم

بری بارانی - نویسنده و کارگردان «کاسه اشکنک»

بری بارانی متولد ۱۳۶۱ است و شروع فعالیت حرفه‌ای خود را از سال ۱۳۷۷ آغاز کرده است. تجربه در جشنواره‌های بین‌المللی کودک،جوکر،مفاهمت و صاحبدلان و در کارنامه کاری خود دارد و همکاری با نمایش فضای باز «کاسه اشکنک» به جشنواره آمده است.
کار عروسکی ارتباط برقرار کردن با عزیزت است و راحت تر می‌توان همه حرف‌های نگفته را زد و با مخاطب ارتباط بهتری برقرار کرد. با عروسک آیین و مراسمات را نه‌تنها در جشنواره‌های بین‌المللی جشنواره تئاتر عروسکی دانشجویی یک نمایش بازاری به اسم فدخترتی با بال‌های آبی به سبک سوررئالیسم کارگردانی کردم و توانستم هرچه از دهن داشتم در آن کار بیاده کنم. از جمله اشیای حماسی متحرک‌های غیر عادی و دختری که با بال‌های آبی پرواز می‌کند در جشنواره اصل کار ما به نسبه صندوق بازی که صندوقی برگ که سه بازیکننده عروسک در آن حال می‌گردند. صندوق ما شامل عروسک‌های دستکشی، میله‌ای و کفاشی است.
این سومین دوره‌ای است که من در این جشنواره شرکت می‌کنم ولی اولین بار است که به عنوان کارگردان در جشنواره حضور دارم. در دوره‌های پیشین به عنوان بازیگرنمایه عروسک حضورداشتم.به نظر من آن‌دهای متفاوتی در مورد پوستر جشنواره و افتتاحیه جشنواره وجود داشت که جالب بود.اما من فکر می‌کنم که پوستر جشنواره بود.ولی به نظر من جشنواره باید بخش‌های بیشتری داشته باشد.به عنوان مثال اگر بخش اساتید، دانشجوها و تجربه‌های و وجود داشت فکر می‌توانست به نسبت موفقیت و تجربه‌ای که دارد ارزیابی شود. به نظر من بهتر بود متن کتابچه جشنواره بنویسنده می‌شد. چون به نسبت تعداد متون اثاربدرفته شده کمی وجود دارد.
موضوع استعداد خاتم برمند پشتوانه اصلی ما را از بین برد و به همه ما انعطاف داد و کرد و اینه برای اجرا هم کمک‌کرد شد. این جشنواره هرفوسل یک بزرگ برقرار می‌شود و مسئولین می‌بایست همکاری لازم را داشته باشند تا مبادا جشن انفاقاتی در جشنواره بیفتد.

نمایش‌های صحنه‌ای

یک تجربه از جنسی تازه

مهدی چاکری- نویسنده، طراح و کارگردان «ناگهان کفتری»

محمد مهدی چاکری در ۱۲۶۵ در تهران متولد شد. وی کارگردان و نمایشنامه نویس تئاتر است و در سال ۱۳۸۹ مدرک کارشناسی خود را در رشته نمایش از دانشکده سینما و تئاتر دانشکده هنر و تربیتم بازیگری تئاتر خود را در سال ۱۳۸۳ از هنرستان سوره دریافت کرده است. در کارنامه هنری او بیش از ۵۰ کار در حوزه کارگردانی، نویسندگی، مدیریت صحنه و دستیاری کارگردانی به چشم می‌خورد. او در این جشنواره نمایشنامه «ناگهان کفتری» را به روی صحنه می‌برد.

رویای کودکی

اکرم ابوالمعالی- نویسنده و کارگردان «حکایت حاکمی که دیگر حاکم نیست»

**اکرم ابوالمعالی سال‌هاست که در زمینه تئاتر کودک و نوجوان تجربه دارد. او نخستین نمایشنامه‌خوانی تئاتر کودک و نوجوان را در کشور به روی صحنه برده است. همچنین از آثار او می‌توان به «طمسان» یا «موجب نماند» و «کسست عروسکی» پنج پنجه‌ای پج پج» و نمایش «شهر در دست بهشه» اشاره کرد. خ